

ارائه الگوی ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

جعفر فیئی زاده بیدگلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸

چکیده

پیچیدگی محیط امنیتی برآمده از عوامل متعددی است که از بین این عوامل، عدم وجود پارادایم غالب در این محیط، زمینه قرار گرفتن محیط امنیتی در شرایط گذار را فراهم می‌کند. وجود شرایط گذار در محیط امنیتی، از اثرگذاری آن بر امنیت بازیگران نمی‌کاهد، بر این اساس داشتن الگویی علمی و بومی به منظور ایجاد، تعمیق و مدیریت نفوذ در این محیط ضروری است که در عین توجه به وضعیت گذار محیط امنیتی، ارتقاء نفوذ در آن را نیز مورد توجه قرار دهد. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش ارائه الگویی برای ارتقای نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار است. در این راستا با اتکاء بر نظریه حسین عساریان نژاد در گذارهای نفوذ با رویکرد کیفی و مبتنی بر روش جمع‌آوری اسنادی و مصاحبه، طراحی الگوی نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار در دو حوزه کلی مبنایی و فرآیند مورد توجه قرار گرفته است که حوزه مبنایی دارای زیرمجموعه‌های ویژگی‌ها، اصول و قواعد و ابعاد نفوذ امنیتی بوده و فرآیند نیز دربرگیرنده سه مرحله برهم زدن نظم نسبی موجود، ایجاد نظم جدید و مدیریت نظم جدید تعیین گردیده است. دیدگاه طیفی به پارادایم‌های عمده در حال تقابل با لحاظ شاخص‌های مبنایی و کارکردی در محیط امنیتی، به‌کارگیری ترکیبی از ابعاد نفوذ با اتکاء مبنایی به بُعد فرهنگی، استفاده هم‌زمان از قدرت سخت و نرم در محیط امنیتی در حال گذار، انتخاب یکی از سه رویکرد تطبیق، تحول‌آفرینی، قاعده‌آفرینی و یا ترکیبی از آن‌ها در رویکردهای نفوذ در محیط امنیتی را نشان می‌دهد. در ترسیم نهایی الگوی حاصله، عنوان "الگوی کشتی بادبانی" برای الگوی ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار انتخاب شده است که دارای دو بادبان "اصول و قواعد" و "ابعاد" با ناخدایی مدیریت نظم جدید و مبتنی بر اتاق فرماندهی و عامل تعادل ویژگی‌های نفوذ در برخورد با امواج پارادایمیک بی‌نظمی‌های امنیتی حال حرکت است.

واژه‌های کلیدی: محیط امنیتی، نفوذ، دوران گذار

^۱ دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه:

عبارت "دوران گذار" در ادبیات ژئوپلیتیک پس از جنگ سرد رایج شد که اصلی‌ترین مشخصه آن نبود پارادایم غالب در فضای روابط و امنیت بین‌الملل است و محیط امنیتی به مفهوم محدوده‌ای جغرافیا پایه ناخواسته از این وضعیت متأثر شده است. اصولاً در محیط امنیتی دودسته عوامل وجود دارند. عوامل ثابت راهبردی (مالیک، ۱۳۸۵: ۳۱) و عواملی که دارای «ابهام»، «عدم قطعیت» و «در حال گذار» بودن هستند. (واعظی، ۱۳۸۶: ۵۳۳) تسلط و اشراف به هر دودسته عوامل برای ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی لازم است.

از آنجا که محیط امنیتی بر امنیت هر کشور مؤثر بوده. (هافندرون، ۱۳۷۱: ۲۲) و حاصل برآیند عوامل درهم‌پیچیده (Keohane and Nye, ۱۹۹۷) محیط داخلی^۱ و محیط خارجی^۲ (مینایی، ۱۳۸۸) و متأثر از محیط بین‌المللی است (درویشی سه تلالنی، ۱۳۸۴: ۲) (هندیانی، ۱۳۸۶) شناخت و نفوذ در آن بر احتمال پیش‌بینی پذیری و مدیریت رفتار سایر بازیگران مؤثر است. (کرمی، ۱۳۸۳).

تزام سنتی پارادایمیک بین دو پارادایم واقع‌گرایی (رنالیسم) و انسان‌گرایی (لیبرالیسم) زمانی پیچیده‌تر شد که پارادایمی برآمده از مبانی اسلام سیاسی به دست معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در عرصه محیط امنیتی ظهور کرد و مؤلفه‌هایی مؤثر بر امنیت بین‌الملل ایجاد نمود. اشارات رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر ازهم‌گسیختگی پایه‌های فکری و عملی نظم موجود که بر برتری فکری و ارزشی غرب تأکید دارد. (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۹۴) نویدبخش طلیعه نظامی نوین در آینده جهان است که برگرفته از توانایی قاعده‌آفرینی برای نظم و مدیریت نظم در محیط امنیتی در حال گذار است. حضور نظام‌مند، هوشمندانه و مبتنی بر شناخت محیط امنیتی در حال گذار زمینه‌ساز ارتقاء نفوذ و جهت‌دهی محیط امنیتی در مسیر مطلوب پارادایم اسلام سیاسی خواهد بود و همان‌گونه که

^۱ عواملی همچون ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت داخلی، تشکل‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، ایدئولوژی و ارزش‌ها، مشارکت مردمی

^۲ عواملی مانند ساختار قدرت، نظم و یا بی‌نظمی جهانی، تکنولوژی، مسابقه تسلیحاتی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی

فرمانده معظم کل قوا تأکید دارند که عناصر بیکار، کم‌کار و غافل قطعاً در شکل‌گیری تحول آینده

نقش ضعیف‌تری خواهند داشت. (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۸۹/۳/۱۸)

در یک دیدگاه؛ توسعه نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار با اتکا به ادبیات رایج ممکن بوده و این مهم مستلزم استفاده کارآمد و بهره‌گیری از قواعد حاکمی است که حدود بازی هر بازیگر را در محیط امنیتی امروز مشخص می‌کند؛ ولی در دیدگاه برآمده از این تحقیق و در دوران تنازع پارادایم‌ها یا دوران گذار، از آنجاکه پارادایم قوی‌تر موجود، نقش اصلی را در شکل‌گیری قواعد بازی در پارادایم جدید ایفا می‌کند، اتکا و به‌کارگیری قواعد موجود به‌نوعی تأیید ادامه حاکمیت پارادایم غالب موجود خواهد بود؛ به‌عبارت‌دیگر چنانچه هدف ارتقاء نفوذ اسلام سیاسی در جهان در پارادایم آتی روابط بین‌الملل باشد، این پارادایم بایستی به رویکرد قاعده‌آفرینی مبتنی بر تحلیل و شناخت نیازها، تعیین ابعاد و فرآیند ارتقاء نفوذ، بر هم زدن نظم نسبی موجود و ایجاد و مدیریت نظم مبتنی بر پارادایم اسلام سیاسی تمرکز نماید. درحالی‌که ایجاد مسائل روزمره توسط بازیگران متکی بر پارادایم‌های رئالیستی و لیبرالیستی در عین ارائه روش و الگوی حل توسط آن‌ها، در حقیقت راهبردی برای مهار قدرت پارادایم اسلام سیاسی است که به‌جای تمرکز بر قاعده‌آفرینی و ایجاد و مدیریت نظم جدید، به نقش‌آفرینی در قاعده‌هایی می‌پردازد که نتیجه آن هرچه که باشد، عامل تقویت آن پارادایم‌هایی غیر از اسلام سیاسی است. ایجاد مسائل متعدد در موضوع هسته‌ای، حقوق بشر و توان موشکی جمهوری اسلامی ایران توسط استعمار جهانی و ایجاد و مدیریت گروه‌های تکفیری و سلفی در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) نیز در قالب این انحراف، قابل بررسی است.

بیان مسئله: از دیدگاه پارادایمی و با پایان جنگ سرد، شرایطی در امنیت بین‌الملل حاکم گردیده که از آن به دوران گذار تعبیر می‌شود. صرف‌نظر از دلایل به وجود آمدن این شرایط، از اصلی‌ترین ویژگی‌های این دوران، نبود پارادایم غالب و برقراری وضعیتی است که امکان پیش‌بینی و تهیه اقدام مناسب در عرصه‌های مرتبط با امنیت از جمله محیط امنیتی را بسیار مشکل می‌سازد. از آنجاکه

محیط امنیتی نقش تعیین کننده‌ای بر امنیت بازیگران دارد، لذا لازم است به منظور نقش آفرینی مؤثر در این محیط و ارتقاء نفوذ با توجه به شرایط گذار، الگویی متناسب تهیه گردد. بنابراین عدم امکان اتکای صرف به روش‌های سنتی نفوذ و ضعف آن‌ها در محیط امنیتی با توجه به شرایط دوران گذار زمینه‌ساز ایجاد مسئله این تحقیق می‌شود. بر این مبنای فقدان الگوی مناسب و مدون برای ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار، مسئله اصلی این تحقیق است و دغدغه محقق مشتمل بر ساماندهی مبانی و فرآیند منسجمی است که با عنایت به شرایط گذار در محیط امنیتی، زمینه ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی را فراهم سازد.

اهمیت و ضرورت: چنانچه اهمیت به فواید و بعد ایجابی انجام تحقیق و ضرورت به ضررها و بعد سلبی ناشی از عدم اجرای تحقیق اطلاق شود می‌توان در قالب زیر به اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق اشاره نمود:

اهمیت:

- ۱- طراحی الگوی متناسب با شرایط گذار برای ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی
 - ۲- کمک به زمینه‌سازی ایجاد نگاه پیش‌دستانه و قاعده آفرین در محیط امنیتی در حال گذار
 - ۳- بهبود شناخت مبانی و فرآیند ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار
- ضرورت:
- ۱- افزایش احتمال کاهش نفوذ در محیط امنیتی در صورت اتکاء به الگوهای سنتی
 - ۲- افزایش انفعال و عقب‌افتادگی از تحولات محیط امنیتی در عین تلاش برای شناخت آن
 - ۳- افزایش احتمال غافلگیری راهبردی در مواجهه با تغییرات محیط امنیتی
- اهداف تحقیق:** هدف اصلی این مقاله ارائه الگویی به منظور ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار بوده و به تناسب اهداف فرعی: ۱- تعیین ویژگی‌های نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار؛ ۲- تبیین اصول و قواعد نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار؛ ۳- تعیین ابعاد نفوذ امنیتی در محیط امنیتی در حال گذار؛ ۴- تعیین فرآیند کلی اعمال نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار موردنظر است.
- سؤالات تحقیق:** به تناسب اهداف سؤالات اصلی و فرعی تحقیق شکل می‌گیرند.

فرضیه‌های تحقیق: تحقیق به لحاظ اکتشافی بودن فاقد فرضیه است.

مبانی نظری:

پیشینه پژوهش: تحقیق به لحاظ بنیادی بودن فاقد پیشینه کاملاً مرتبط است ولی برخی

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه محیط امنیتی به‌طور اختصار در زیر مورداشاره قرار گرفته‌اند:

جدول ۱- جمع‌بندی پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/پژوهش‌گران	یافته‌های اصلی تحقیق	وجوه اشتراك با پژوهش	وجوه افتراق با پژوهش
شاخص‌های محیط امنیتی در سطح بین‌المللی	حسینی تاش و شعبانی، ۱۳۸۷	شناخت ویژگی‌ها و شاخص‌های محیط امنیتی	-توجه به ویژگی‌های محیط امنیتی	-عدم توجه به شرایط دوران گذار
درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی	عصاریان نژاد و نادی، ۱۳۸۹	ارائه الگویی برای شناخت و تحلیل محیط امنیتی	ارائه الگو در بررسی و تحلیل محیط امنیتی	عدم تناسب با شرایط دوران گذار در محیط امنیتی
اولویت‌های محیط‌شناسی امنیتی از نگاه امام خمینی (ره)	عمید زنجانی و اسلامی، ۱۳۹۰	تبیین اولویت‌های محیط‌شناسی امنیتی از نگاه امام خمینی (ره)	بررسی عمیق دیدگاه امام خمینی (ره) در موضوع محیط‌شناسی امنیتی	عدم توجه به شرایط دوران گذار
قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل	سلیمان پور و مولایی، ۱۳۹۲	تأثیر قدرت‌های بزرگ در تغییرات محیط امنیتی	توجه به عوامل قاعده آفرین در محیط امنیتی	عدم توجه به سایر مبانی و فرآیندهای حاکم بر دوران گذار
قدرت هوشمند برای یاری به ابرقدرت آمریکایی	گلمن ^۱ ، ۲۰۱۵	استفاده از ابزارهای مختلف در مدیریت محیط امنیتی	عنایت به موضوع مدیریت محیط امنیتی	نگاه محدود و درون‌پارادایمی مبتنی بر رویکرد رئالیستی

با عنایت به موارد فوق نوآوری این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- توجه به پارادایم‌های اصلی در حال مواجهه در جهان امروز
- ۲- توجه به ویژگی‌ها، ابعاد و اصول و قواعد و فرآیند نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار
- ۳- توجه به شاخص‌های پیشران و پشتیبان در ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

اصطلاحات و مفاهیم:

نفوذ: نفوذ را به مفهوم اعمالی که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۹: ۱۴۲) و به معنی فراهم‌سازی قدرت به همراه اقتدار (عصاریان نژاد، ۱۳۹۴) تعریف کرده‌اند. قدرت و نفوذ با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. قرآن کریم منشأ هر قدرتی در جهان را "خداوند" می‌داند (مداحی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) در حوزه کلان ملی قدرت ملی به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی گفته می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت قرار دارد. (رهبر و مجتهدی، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

در این تحقیق نفوذ به معنای به‌کارگیری قدرت باهدف تغییر رفتار حوزه هدف در جهت تأمین منافع امنیتی نفوذگر تعریف می‌شود.

محیط امنیتی: محیط امنیتی، محدوده‌ای جغرافیایی است که فرصت‌ها و تهدیدهای یک کشور در آن تعریف شده و به‌شدت تحت تأثیر متغیرهای محیط داخلی و بین‌المللی است. (امینیان، ۱۳۹۰: ۶) استارز^۱، محیط را به معنی فضای تشخیص، دسته‌بندی و پیگیری نیازهای امنیتی تا رسیدن به هدف تعریف می‌نماید. (حسینی تاش و شعبانی، ۱۳۸۷: ۵۲) محیط امنیتی هر کشور با کوچک و بزرگ شدن قدرت و گستره نفوذ هر بازیگر متفاوت است؛ بر همین اساس یک قدرت بزرگ جهانی ممکن است در سراسر جهان دارای منافع باشد. (کرمی، ۱۳۸۴: ۳۳) اما آنچه بیش از سایر مؤلفه‌ها در خصوص محیط امنیتی قابل استناد است جغرافیا محوری و نقش ژئوپلیتیک در آن و تأثیرپذیری مستقیم از ادراکات و نقش جوهری منافع در شکل و هندسه محیط امنیتی را می‌توان نام برد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۷) محیط امنیتی به‌عنوان محل رویش و پیدایش تهدیدات و فرصت‌ها،

¹ Stars

کالبدی متشکل از اجزا و متغیرهای متکثر و ناشناس است که در رویکردی انسان‌مدار، امکان پی‌جویی منافع انسان‌ها و رفع نیاز آن‌ها را در محیط قابل تعقیب می‌سازد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۵)

در این پژوهش محیط امنیتی به فضای متأثر از قدرت و دربرگیرنده منافع امنیتی یک یا چند بازیگر اطلاق می‌شود که محل شکل‌گیری و بروز و ظهور تهدیدات و فرصت‌های امنیتی برای آن‌ها است. (همان)

دوران گذار: دوران گذار به دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد اطلاق می‌شود که فقدان پارادایم حاکم، بسترساز تنش‌های زیادی در روابط و امنیت بین‌الملل شده است. (سلیمان پور و مولایی، ۱۳۹۲: ۱۰) وضعیت در حال گذار، وضعیتی است که در آن «خلل‌ناپذیر بودن» و «تخطی‌ناپذیر دانستن» چهارچوب فکری حاکم موردشک قرار می‌گیرد. (نبوی، ۱۳۸۶: ۲۰۷-۲۰۱)

دوران گذار در این مقاله به دورانی اطلاق می‌شود که در آن تزاخم پارادایمی وجود داشته و پارادایم غالب در محیط امنیت بین‌الملل هنوز مشخص نشده است. پارادایم‌های در حال مجادله در این تحقیق سه پارادایم واقع‌گرایی، انسان‌گرایی و اسلام سیاسی منظور شده‌اند.

ادبیات نظری:

مبادی و الگوهای اعمال نفوذ در نظام بین‌الملل: هالستی^۱ راه‌های نفوذ را استفاده از ترغیب، پیشنهاد پاداش، اعطای پاداش، تهدید به تنبیه، اعمال تنبیه‌عاری از خشونت و اعمال زور دانسته و متغیرهای مؤثر بر اعمال نفوذ را تناسب منبع با سطح نفوذ موردنظر، میزان نیاز دو کشور به یکدیگر در ارتباط بانفوذ‌گذاری، سطح تجربه فنی (دانش) و کیفیت تأثیرپذیری تعریف می‌کند

الگوهای زیر در زمینه نفوذ در محیط بین‌الملل مطرح است:

- الگوی مبتنی بر اتفاق‌نظر (میان دولت‌هایی که در زمینه هدف‌های سیاست خارجی اختلاف

اندکی دارند)

¹ Holsti

- الگوی مبتنی بر اعمال نفوذ آشکار (در مورد هدف‌های سیاست خارجی تا حدی اختلاف نظر و عدم توافق وجود داشته باشد)

- الگوی مبتنی بر اجبار (وجود اختلاف نظر اساسی بر سر هدف‌های سیاست خارجی)

- الگوی مبتنی بر زور (عدم توافق بر سر اهداف سیاست خارجی و نفوذ از طریق اعمال تنبیه خشونت‌آمیز). (هالستی، ۱۳۷۳)

ویژگی‌های محیط امنیتی: محیط امنیتی دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- پیچیدگی: محیط امنیتی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که این عوامل خود دارای پیچیدگی زیادی هستند، در نتیجه محیط امنیتی بسیار پیچیده است.

- متلون، فرار و غیرثابت: تغییر و عدم ثبات از ویژگی‌های محیط امنیتی است. وضعیت‌ها در محیط استراتژیک پایا، جامد و همیشگی نیستند، آن‌ها به راحتی تغییر شکل نمی‌دهند.

- غیرخطی: تحولات در محیط امنیتی همانند معادلات جبری نیست که با وارد کردن یک عامل به راحتی نتیجه مشخصی حاصل شود.

- غیرقابل پیش‌بینی: وجود عوامل مختلف در محیط راهبردی، این محیط را غیرقابل پیش‌بینی می‌کند.

- اثر پروانه‌ای: برگرفته از اصطلاحی در هواشناسی و به مفهوم در نظر نگرفتن عاملی کوچک که تأثیرات مهمی در سیستم دارد. (امینیان، ۱۳۹۰)

بر این اساس شاخص‌های وابستگی متقابل امنیتی، تنیدگی امنیت ملی، نگرانی‌های امنیتی اولیه و اصلی مشترک برای درک محیط امنیتی و بازیگران مؤثر آن و از نظر مورگان وجود آگاهی یک کشور از وجود محیط امنیتی و ادراکات و برداشت‌های دیگران از آن، تأثیرپذیری امنیتی بیش از

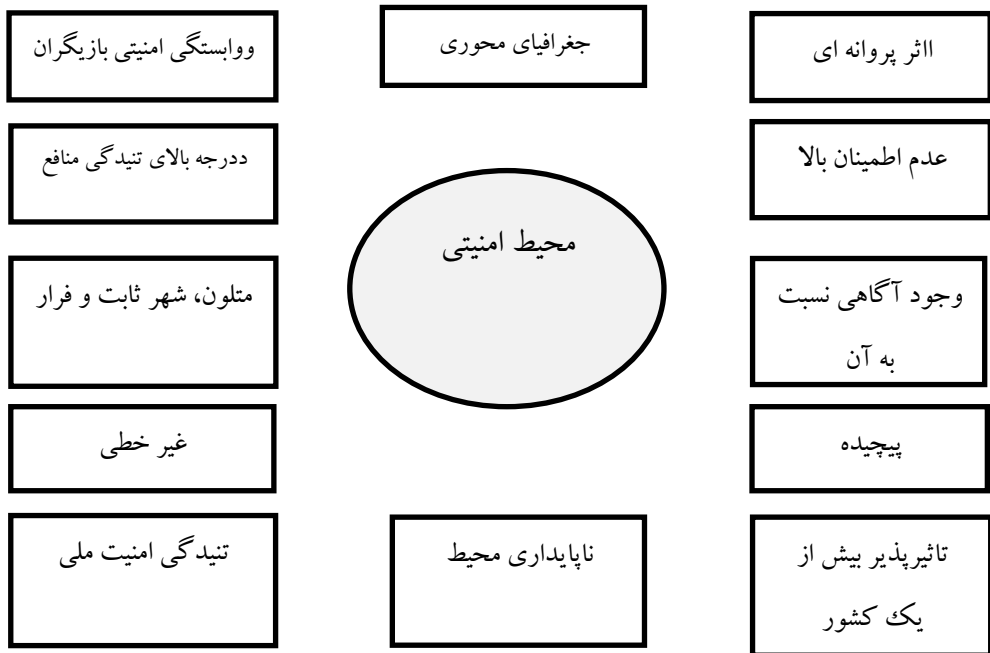
یک کشور از آن، تعامل بالا به پایین محیط امنیتی از سطح بین‌المللی، وابستگی متقابل امنیتی بازیگران با یکدیگر و درجه بالای تنیدگی منافع میان بازیگران می‌تواند از ویژگی‌های محیط امنیتی محسوب شود. اما آنچه بیش از سایر مؤلفه‌ها در خصوص محیط امنیتی قابل استناد است، جغرافیا محوری و نقش ژئوپلیتیک در آن و تأثیرپذیری مستقیم ادراکات و نقش جوهری منافع در شکل و هندسه محیط امنیتی قابل ذکر است. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۹)

در پژوهشی دیگر سه ویژگی "عدم اطمینان بالا"، "پیچیدگی" و "ناپایداری محیط" از ویژگی‌های محیط امنیتی محسوب شده است. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸)

با عنایت به موارد فوق نوآوری این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۴- توجه به پارادایم‌های اصلی در حال مواجهه در جهان امروز
- ۵- توجه به ویژگی‌ها، ابعاد و اصول و قواعد و فرآیند نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار
- ۶- توجه به شاخص‌های پیشران و پشتیبان در ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

شکل ۱- ویژگی‌های محیط امنیتی



قلمروی محیط امنیتی:

گفتمان قدرت حاکم بر هر محیط بیان‌کننده حدود محیط امنیتی آن است. به نحوی که به‌عنوان مثال گفتمان ایدئولوژیک و استکبارستیز جمهوری اسلامی، محیط امنیتی آن را تا هر جا که اقدامی برای مبارزه با استکبار انجام می‌پذیرد گسترده می‌سازد و بر همین اساس، آمریکا نیز بر اساس گفتمان سلطه، محیط امنیتی خود را تعریف می‌کند. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۹)

در تعیین قلمروی محیط امنیتی دو رویکرد وجود دارد. یکی سرزمین پایه بودن امنیت که می‌توان آن را محیط امنیتی سرزمین گرا نامید و دیگری رویکرد امنیت جهانی که محیط امنیتی را نه بر اساس سرزمین بلکه بر اساس موضوعات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و در سطح جهانی مطرح می‌کند که آن را محیط امنیتی جهان گرا می‌نامند. بر این اساس می‌توان این‌گونه عنوان نمود که الگوی امنیتی غالب در اهداف و یا مراودات بازیگران، تعیین‌کننده سطح، ماهیت و معیارهای اصلی محیط‌شناسی امنیتی آن‌هاست. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸)

نقش پارادایم‌ها در تعیین قلمرو محیط امنیتی:

الگوهای امنیتی در بستری به نام پارادایم‌های امنیتی شکل می‌گیرند؛ تعاریف زیادی از پارادایم وجود دارد، کوهن پارادایم را به معنی هر چیزی که از طریق آن جهان را مشاهده می‌کنیم تعریف می‌کند، آدام اسمیت پارادایم را شامل مجموعه‌ای از فرضیات مشترک، روش تعریف دنیا، معقول‌کننده انتظارات از یافته‌ها تعریف می‌کند. (اندیشگاه شریف، ۱۳۸۵: ۲۲) در تعریفی دیگر پارادایم به روش بنیادی درک، تفکر، ارزشیابی و اقداماتی است که در ارتباط با چشم‌انداز خاصی از واقعیت است. (اندیشگاه شریف، ۱۳۸۸: ۲۰) بر این اساس سه پارادایم به‌عنوان پارادایم‌های قدرتمند فعلی جهان قابل‌ارائه هستند:

۱- پارادایم واقع‌گرایی (رنالیسم)

واقع‌گرایان این ادعا را که دوره جدیدی از صلح و عدالت جهانی سر برآورده است را مردود و اصولاً تغییر بنیادین درسیاست بین‌الملل را نفی می‌کنند. (جونز، ۱۳۸۵: ۱۰۹) نبود اقتدار و

هرج و مرج گونه بودن نظام بین الملل، وجود توانمندی نظامی در کشورها، عدم اطمینان نسبت به تصمیم دیگر کشورها، انگیزه بقا به عنوان اصلی ترین انگیزه تفکر راهبردی و تحرک دولت‌ها از ویژگیهای این پارادایم است. (عبداله خانی، ۱۳۸۳)

۲- پارادایم انسان‌گرایی (لیبرالیسم)

لیبرال‌ها به آزادی فردی بهاداده و معتقدند همه انسان‌ها موجودات عقلانی و اخلاقی مبتنی بر قانون‌اند، برداشت مثبت از سرشت بشر، و چالش تمایز و تفکیک میان قلمرو داخلی و بین‌المللی از دیگر ویژگی‌های تفکر لیبرالیسم است. (وحیدی راد، ۱۳۹۲)

وابستگی متقابل از محورهای اصلی اندیشه لیبرالی است که مبتنی بر اصل پیوند مستقیم، مثبت و متقابل منافع دولت‌هاست. (عبداله خانی، ۱۳۸۳) تأکید بر نقش قابل توجه سه عنصر وابستگی متقابل، سازمان‌های بین‌المللی و همچنین دموکراسی در کاهش منازعات بین دولت‌ها (۲۰۰۲، jervis)، زمینه‌ساز بسط نقطه اتکای این نظریه از مباحث نظامی به فناوری و پس‌از آن به سایر حوزه‌های غیرنظامی شده است. (واعظ مهدوی، ۱۳۷۵) بر اساس این نظریه تعامل بین محورهای وابستگی متقابل، قدرت، هزینه، حساسیت، آسیب‌پذیری، تقارن و عدم تقارن زمینه ارتباط منافع دو یا چند بازیگر را فراهم می‌آورد. اما در تعیین اولویت محورهای ذکر شده، مفهوم کلیدی قدرت همچنان خودنمایی نموده و بر اساس این شاخصه زمینه چانه‌زنی سیاسی فراهم می‌آید. (وحیدی راد، ۱۳۹۲)

۳- پارادایم اسلام سیاسی

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. برخی ارزش‌های مطروحه انقلاب اسلامی همانند طرح مجدد اسلام به عنوان مجموعه کاملی از شیوه زندگی، اعتقاد به ناسامانی مدل‌های غربی، طرح شریعت به عنوان مرجع قوانین از ویژگی‌های این پارادایم است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۴) نقش مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگی انقلاب اسلامی بر افکار، اندیشه‌ها، رفتار، اراده، احساسات، تمایلات و اعتقادات مردم مسلمان و

غیرمسلمان (حاذق نیکرو، ۱۳۸۹) و اصول مرتبط با اسلام سیاسی همانند اصل تکلیف، اصل مصلحت اسلام، اصل مصلحت مسلمانان، اصل دعوت و گسترش اسلام و برخی اصول دیگر از اصول این پارادایم هستند. (لک زایی، ۱۳۸۳، صص ۱۲۶ و ۱۲۵)

جدول ۲: عوامل نفوذ در محیط امنیتی در پارادایم‌های مختلف

پارادایم رئالیستی	پارادایم لیبرالیستی	پارادایم اسلام سیاسی
قدرت و توانمندی نظامی (عبدالله خانی، ۱۳۸۳)	پیوند مستقیم، مثبت و متقابل منافع دولت‌ها (عبداله خانی، ۱۳۸۳) انتقال نقطه اتکا از حوزه نظامی به فناوری و سایر حوزه‌ها، اتکا به سیاست‌های اقتصادی، افزایش تعاون و همکاری میان کشورها (واعظ مهردوی، ۱۳۷۵: ۷۷)	قدرت آموزه‌های مکتب اسلام، اتکا به وعده الهی در یاری مسلمین (محمدی، ۱۳۸۷) اتکا به مؤلفه‌ها و عناصر دینی، مؤلفه‌ها و عناصر علمی و معرفتی، مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگ عمومی و مؤلفه‌ها و عناصر ادبی و هنری (حاذق نیکرو، ۱۳۸۹)

دوران گذار در بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی):

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در برخی سخنرانی‌ها به شرایط نظام بین‌الملل اشاره نموده و موشکافانه به تحلیل وضعیت می‌پردازند. برخی از فرمایشات ایشان در ۱۰ سال اخیر که از سایت معظم له اقتباس شده در ذیل آمده است^۱:

- در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته‌ی اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است؛ این را انسان می‌فهمد و مشاهده می‌کند. انسان به روشنی می‌بیند که این نظم در حال تغییر است. آن نظم قبلی - که عرض کردیم حدود هفتادسال به نحو مستقر در دنیا حاکم بود - دوپایه‌ی اساسی داشت: یک‌پایه‌ی فکری و ارزشی و یک‌پایه‌ی عملی، یعنی نظامی و سیاسی. عرض من این است که هر دو پایه امروز دچار چالش شده، دچار تزلزل شده؛ اما آن پایه‌ی اخلاقی و فکری عبارت بود از ادعای برتری فکری و ارزشی غرب - شامل اروپا و آمریکا. پایه‌ی دوم قدرت غرب و تسلط غرب

^۱ www.Khamenei.ir

بر مدیریت جهان بود - مسئله‌ی توانایی‌های سیاسی و نظامی بود که اگر ملت‌ها یا دولت‌ها یا جریان‌های گوناگونی تحت تأثیر آن نظام ارزشی و آن جنبه‌ی اول قرار نمی‌گرفتند و تسلیم نمی‌شدند و ایستادگی می‌کردند امروز هر دو عامل دچار چالش شده؛ هم آن عامل اول و هم عامل دوم (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۹۴/۶/۱۳)

- آرامش ظاهری جبهه‌ی مسلط جهانی - یعنی همین قدرت‌های سستی‌ای که در دنیا حاکم بودند، چه قدرت آمریکا، چه قدرت‌های اروپایی؛ که یک آرامشی داشتند این‌ها از لحاظ اقتصادی، از لحاظ رسانه‌ای، از لحاظ استقرار اجتماعی در داخل کشورهایشان و یک آرامشی به‌ظاهر بر زندگی این‌ها حاکم بود - امروز به‌هم‌خورده، نشانه‌های این به‌هم‌خوردگی را انسان می‌بیند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۹۲/۱۲/۱۵)

- پیداست که به‌سوی تحولات تازه‌ای داریم پیش می‌رویم. شواهد و نشانه‌هایی که این تحول را نشان می‌دهد، چه چیزهایی است؟ من چند تا مثال را عرض می‌کنم. یکی بیداری اسلامی است... یک نشانه‌ی دیگر، خیزش ناخیزِ ناموفق غرب به رهبری آمریکا، برای تسلط هرچه بیشتر بر منطقه‌ی ماست... یکی دیگر از نشانه‌های این تحول اساسی‌ای که در نقشه‌ی دنیا انسان احساس می‌کند، افول و جبهه‌ی آمریکاست. (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۹۱/۵/۲۲)

- خوشبختانه چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یک نظام چندوجهی است که در آن، قطب‌های سستی قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع و با خاستگاه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌دهند. (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۹۱/۶/۹)

- آن وقتی که جابه‌جائی‌ها دارد صورت می‌گیرد، تحولات جهانی دارد انجام می‌گیرد، یک عنصر بیکار، کم‌کار و غافل قطعاً در تحول آینده، در شکل جدیدی که بناست بر اوضاع سیاسی دنیا حاکم شود، نقش ضعیف‌تری نصیب خود خواهد کرد. عنصری که فعال است، هوشیار است، بیدار است، صحنه را رصد می‌کند، فعل و انفعالات را می‌بیند و پیش‌بینی می‌کند، او می‌تواند در شکل جدیدی که بناست به وجود بیاید، برای خود جایگاه محکم‌تری، بابرکت‌تری و نزدیک‌تر به اهداف و آرمان‌های خود فراهم کند. شرایط امروز این است. (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۸/۳/۸۹)

- در قبال این تحولات نباید دچار افراط و تفریط شد و به حصاربندی جامعه و تسلیم و انفعال فکر کرد، بلکه باید در برابر تحولات جهانی آگاهانه تصمیم گرفت، انتخاب کرد و مسئولانه وارد عمل شد. (دیدار اعضای مجمع عمومی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان، ۲۵/۱/۸۴)

جدول ۳: جمع‌بندی برخی ویژگی‌های دوران گذار با توجه به وجوه کلی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)		
ویژگی‌ها	ابعاد	وجوه
<p>ناکارآمدی پارادایم قبلی</p> <p>انقلاب‌های مبتنی بر مکتب مانند بیداری اسلامی</p> <p>تأثیرپذیری از پارادایم قبلی</p> <p>شیوع ستیزها و خصومت‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی جدید بجای منازعه سنتی</p> <p>کمونیسم و سرمایه‌داری</p>	پارادایم	فکری و اعتقادی
<p>تغییر قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل</p> <p>قدرت مبتنی بر دانش، معرفت و اطلاعات بجای قدرت مبتنی بر سخت</p> <p>افزارهای نظامی</p> <p>نشانه‌های ظهور نظام چند قطبی</p> <p>تغییر در ساختار، اصول و روابط قدرت نظام بین‌المللی</p>	قواعد	

جدول ۳: جمع‌بندی برخی ویژگی‌های دوران گذار با توجه به وجوه کلی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)		
وجوه	ابعاد	ویژگی‌ها
عملی و اجرایی	سیاسی، اقتصادی، اجتماعی	افول وجهه آمریکا نفوذ سه دولت غیراروپایی آمریکا، روسیه و چین جهانی‌شدن نظام بین‌الملل افزایش تعداد و انواع دولت‌ها تنوع در بازیگران فراملی و فروملی تولد بازیگران تأثیرگذار در نظام بین‌الملل بدون تعهد ملت - دولت‌ها گسترش نهادگرایی مانند انعقاد ائتلاف‌ها و توافقنامه‌ها درجه بالای وابستگی متقابل میان همه انواع بازیگران بین‌الملل اهمیت روبه افزایش بازیگران غیردولتی مانند جنبش‌های رهایی‌بخش، شرکت‌های چندملیتی توسعه اقتصاد جهانی در مقابل اقتصادهای محدود نقش روزافزون رسانه‌های الکترونیک
	امنیتی - نظامی	گسترش و انتشار غیرقابل کنترل فن‌آوری‌های مدرن نظامی توان تخریبی بالقوه دارندگان سلاح‌های هسته‌ای افزایش آسیب‌پذیری دولت‌ها نسبت به مداخلات خارجی مانند براندازی، فشارهای اقتصادی و اشغال نظامی

روش تحقیق: این تحقیق به‌واسطه اتکاء بر ارتقاء و تبیین نظریه "گذارهای نفوذ" حسین عساریان نژاد؛ از نوع بنیادی بوده که با راهبرد کیفی انجام پذیرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده که با ابزارهای فیش و مصاحبه این مهم انجام پذیرفته است. با عنایت به ضعف ادبیات در موضوع پژوهش با ۵ نفر از صاحب نظران و مدیران آشنا به مسائل امنیتی (۲ نفر دارای مدرک تحصیلی دکترا و ۳ نفر دانشجوی دکترا در گرایش‌های مرتبط با امنیت ملی) مصاحبه عمیق انجام پذیرفت. نتایج حاصل از جمع‌آوری کتابخانه‌ای و میدانی، با استفاده از روش تحلیل محتوا کدگذاری و موارد ابهام با افراد مورد مصاحبه طرح و درنهایت با دسته‌بندی و سطح‌بندی مقوله‌های حاصله، اجزای الگو احصا و برآن اساس به سؤالات پژوهش پاسخ داده شد.

با عنایت به اکتشافی بودن تحقیق، فرضیه ای برای این پژوهش متصور نیست.

تجزیه و تحلیل:

الف- مبانی اعمال نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

۱- الف- ویژگی های نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار: بر اساس نظریه حسین عساریان نژاد و مصاحبه های متعددی با خبرگان انجام شد و ویژگی های زیر برای نفوذ امنیتی در محیط امنیتی در حال گذار به دست آمد:

۱- انتخاب صحیح حوزه نفوذ (هدف گذاری صحیح): انتخاب صحیح حوزه نفوذ به عنوان

پذیرنده نفوذ از مواردی است که در نفوذ امنیتی بالأخص در شرایط گذار تأثیر بسزایی دارد.

۲- تناسب منابع در اختیار نفوذ گر با سطح نفوذ مورد نظر: بر این اساس نفوذ موفق بر اساس

وجود برآورد قابل اتکا از توان نفوذ صورت می پذیرد. این منابع را می توان در دودسته مادی

مانند قدرت سخت، عوامل محرک اقتصادی و عوامل معنوی مانند وجود همگرایی های

مشترک ارزشی و یا ایدئولوژیک بین نفوذگر و حوزه تحت نفوذ و قدرت نرم ذکر کرد.

منظور از منابع در اختیار، منابعی است که نفوذگر می تواند از آنها در ایجاد و ارتقاء موفقیت

نفوذ خود استفاده نماید. این منابع الزاماً منابع سرزمینی نفوذگر نبوده و به تناسب الگوی نفوذ

می توان از منابع سایر بازیگران و حتی بازیگران حوزه نفوذ نیز استفاده نمود. در نگاه مدیریتی

به نفوذ، نگاه استفاده بهینه از منابع در عین وصول حداکثری به اهداف مطرح است.

۳- قاعده نیاز: وجود نیاز متقابل هم در ادبیات نظری (هالستی، ۱۳۷۳) و هم در مصاحبه های

انجام شده، بین نفوذ گر و نفوذ شونده موضوعی مهم در نفوذ برآورد شد؛ به این معنا که بر

پایه یک یا چند نیاز، نفوذ گر ضرورت انجام نفوذ و حوزه نفوذ یا نفوذ شونده ضرورت

پذیرش نفوذ را درک کنند. بر این اساس درک حوزه نفوذ از نیازهای اساسی خود (مانند

ضعف امنیت سرزمینی، وجود مسائل بدون پاسخ ناشی از ضعف کارآمدی پارادایم های دوران

گذار، نیاز به افزایش رفاه اقتصادی و... و درک صحیح نفوذ گر از نیازهای حوزه نفوذ از عوامل بسیار مهم در نفوذ است. قاعده نیاز دربرگیرنده دو بخش است:

- ۱-۳- پاسخ به نیازهای موجود: در این بخش نفوذ گر تلاش می کند بر اساس منابع در اختیار خود و براساس شناختی که از نیازهای حوزه نفوذ به دست آورده است، نیازهای موجود حوزه نفوذ را مرتفع نموده و بر این اساس نفوذ خود را در حوزه مورد نظر گسترش دهد.
- ۲-۳- نیاز سازی: زمانی است که نفوذگر بر اساس راهبردها و سیاست های امنیتی خود نیازمند نفوذ ابتدایی و یا ارتقاء نفوذ خود در یک محیط امنیتی است ولی حوزه نفوذ در این زمینه احساس نیاز نمی کند. در این مراحل لازم است بر اساس الگوهایی در حوزه نفوذ "نیاز سازی" انجام شود که در بررسی ابعاد نفوذ به آنها پرداخته خواهد شد.

داشتن طرح مناسب برای نفوذ: طرح نفوذ به طرح مبنایی نفوذ گر برای ایجاد و یا ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی اطلاق می شود. به فرض وجود منابع در اختیار و احساس نیاز متقابل بین نفوذگر و حوزه نفوذ، الزاما نفوذ اتفاق نمی افتد. بر این اساس لازم است بازیگر نفوذگر یک پیش طراحی از نفوذ خود انجام داده و با توجه به شرایط گذار و نبود یک پارادایم غالب، با رویکردهای آینده پژوهی حالت های مختلف نفوذ در محیط امنیتی و نتایج مورد انتظار را برآورد نموده تا در عین حفظ انعطاف پذیری، امکان رصد موفقیت را در طرح نفوذ خود لحاظ نماید. این دسته از شاخص ها که تحت عنوان شاخص های پیشران لحاظ شدند عبارت اند از:

جدول ۴- شاخص های احصا شده برای طرح گذارهای نفوذ (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸)

شاخص	مضمون
بسترهای مقبولیت نفوذگر	توجه به بسترهای مقبولیت نفوذ گر در حوزه تحت نفوذ بالأخص لحاظ چگونگی رفع نیازهای اقتصادی و امنیتی حوزه نفوذ.
تفاوت محیط های امنیتی	لحاظ تفاوت های محیط امنیتی از حیث شکل، نیازها و الگوهای رفع نیاز
ارزش ها و آداب و رسوم	توجه به ارزش ها، آداب و رسوم حوزه انتخابی برای نفوذ
نفوذ مرحله ای	لحاظ فرآیند مرحله ای برای نفوذ موفق در محیط امنیتی
جامعیت و انسجام	جامعیت، انسجام و یکپارچگی طرح نفوذ
تفکیک پذیری	لحاظ قابلیت خرد کردن طرح به طرح های کوچک تر در عین حفظ وحدت

وحدت فرماندهی	فرماندهی با توجه به حوزه‌های مختلف محیط امنیتی و کاهش صدمات ناشی از ایجاد اختلال در یک حوزه طرح به سایر حوزه‌ها.
انعطاف‌پذیری	لحاظ انعطاف در طرح نفوذ به لحاظ عدم اتکاپذیری محیط امنیتی
بازخور پذیری - ترمیم‌پذیری	لحاظ مکانیسم بازخور و ترمیم در طرح نفوذ با توجه به ضرورت تأثیر دهی نتایج اجرای طرح
مدیریت بازیگران	لحاظ مکانیسم مدیریت بازیگران همراه، مخالف و مخاصم در طرح به منظور کنترل برآمد بازیگران امنیتی در حوزه نفوذ
برنامه‌ریزی رفع نیاز	داشتن برنامه مشخص برای برطرف نمودن نیاز حوزه نفوذ

۵- اتکا بر عوامل داخلی ارتقا بخش قدرت: صرف نظر از تفاوت‌های ابزاری و شکلی الگوهای نفوذ، اصلی‌ترین مبنا برای نفوذ در محیط امنیتی، وجود قدرت در نفوذ گر است. اگرچه اشکال این قدرت در پارادایم‌های مختلف امنیتی متفاوت است. (جدول شماره ۲ مبتنی بر ادبیات نظری) ولی ارتباط مستقیم قدرت و نفوذ موضوعی غیرقابل انکار است. درعین حال وجود برخی عوامل سبب تقویت ساخت قدرت و وجود برخی عوامل دیگر زمینه‌ساز تضعیف آن محسوب می شود که آن‌ها در این تحقیق به‌عنوان شاخص‌های پشتیبان نام‌گذاری می‌شوند که عبارت‌اند از:

جدول ۵- شاخص‌های احصا شده برای ارتقا بخشی داخلی قدرت دز گذارهای نفوذ (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸)

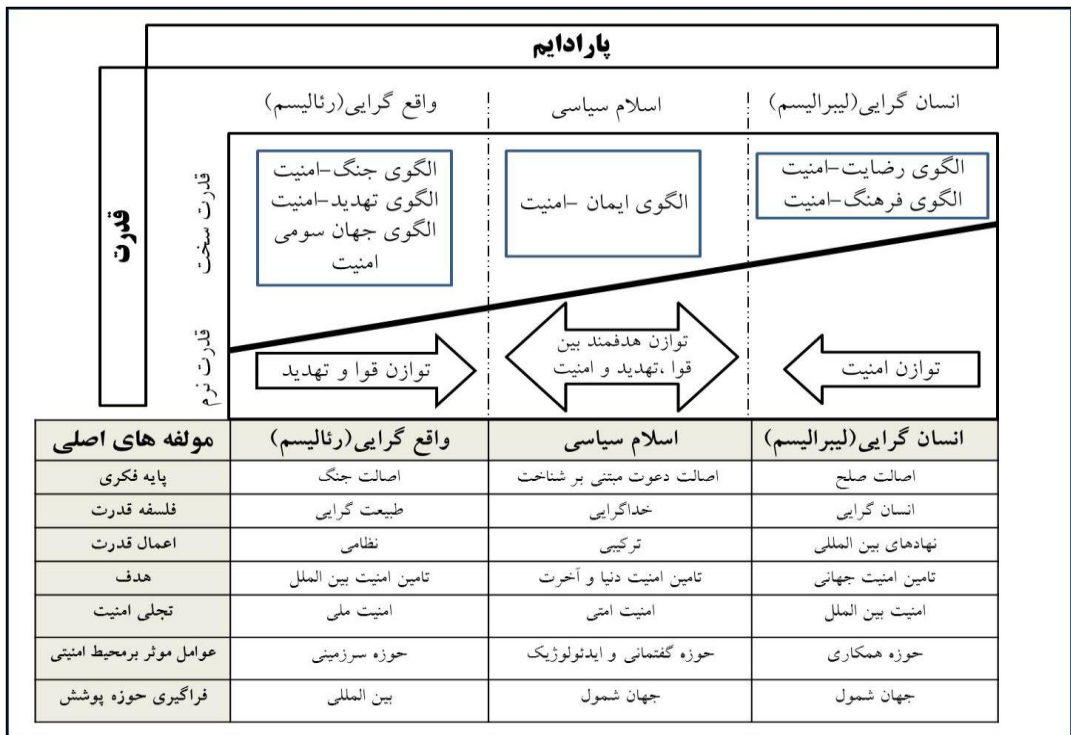
شاخص	مضمون
پرهیز از اختلافات داخلی	پرهیز از عوامل کاهنده اقتدار و مشروعیت داخلی از جمله اختلافات داخلی
مقابله با عوامل کاهنده اقتدار	مقابله جدی و منطقی با عوامل کاهنده اقتدار داخلی (گسست‌های هویت ملی، عوامل تنش‌زا و مخالف انسجام ملی، احساس بی‌عدالتی، فساد کارگزاران حکومتی، فساد اداری، وابستگی اقتصادی)
کاهش اتکا به عوامل بیرونی	به حداقل رسانی تأثیرپذیری از بحران‌های بین‌المللی از طریق کاهش سطح اتکا به عوامل بیرونی
پرهیز از رشد تک قطبی	برنامه‌ریزی جهت پرهیز از رشد تک قطبی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...
نگاه راهبردی	تلاش در جهت طراحی و اجرای اقدامات راهبردی (طراحی راهبرد، اولویت‌بندی راهبردی، انتخاب راهبرد، راهبردهای جایگزین)
توسعه و ترویج علم	تولید علم متناسب با شرایط قدرت و ترویج آن

استفاده هم‌زمان از ابزارهای مادی و معنوی در تقویت اقتدار	اتکای توأمان به ابزار مادی و معنوی
بهبود مستمر ساختارهای قدرت و عدم رضایت به قابلیت‌های گذشته	بهبود مستمر ساختار قدرت

۲- الف- اصول و قواعد نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

۲-۱- الف- شناخت پارادایم‌های در حال تقابل: با وجود اینکه از ویژگی‌های دوران گذار تراحم پارادایمی و عدم وجود پارادایم غالب است ولی این به معنای نفوذ مبتنی بر شانس در محیط امنیتی نبوده و می‌بایست به لحاظ سیاسی و امنیتی، پارادایم‌های در حال تقابل و تخصص‌شناسایی شوند. این مرحله در تعیین طرح و الگوی نفوذ بسیار مؤثر است. در ادبیات تحقیق پارادایم‌های موردبررسی در این پژوهش به تفصیل موردبحث قرار گرفت که تلفیق آن با الگوهای امنیتی در شکل زیر به طور خلاصه ارائه شده است:

شکل ۳: تلفیق پارادایم‌های موجود با عوامل مؤثر در محیط امنیتی (محقق ساخته)



بر این اساس هریک از پارادایم‌ها بر اساس پایه فکری خاصی شکل گرفته‌اند و بر این مبنا، فلسفه قدرت، اعمال قدرت، هدف، تجلی امنیت، عوامل مؤثر بر محیط امنیتی و فراگیری حوزه پوشش آن‌ها متفاوت خواهد بود. از نکات مورد توجه در شکل فوق لحاظ ترکیبی از قدرت‌های سخت و نرم جهت اعمال نفوذ در پارادایم‌های مختلف و در شرایط وجود الگوهای متفاوت امنیتی است.

۲-۲-الف- آینده نگاری پارادایمیک

اگرچه تزاخم پارادایمی در دوران گذار اصلی‌ترین ویژگی این دوران محسوب می‌شود، بر اساس نظر صاحب نظران مورد مصاحبه، برای اعمال نفوذ، داشتن پیش‌بینی‌های علمی از وضعیت آتی پارادایمی حاکم ضروری است. از آنجاکه در حوزه‌های مختلف محیط بین‌الملل ممکن است بستر نفوذ برای پارادایمی مناسب‌تر پیش‌بینی شود، این وظیفه بازیگر نفوذ گر است که بر اساس محاسبات مختلف حداکثر پیش‌بینی مطلوب و معقول را میسر سازد. در این خصوص دو رویکرد آینده‌نگاری مؤمنانه و متکی بر علوم مادی در نگاه کلی محتمل است. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵) البته در فرآیند نفوذ به تفصیل این نکته مورد بحث قرار خواهد گرفت که بازیگر نفوذ گر می‌بایست توان بر هم زدن قواعد موجود را داشته و حداکثر سهم را در تدوین قواعد پارادایم آینده طراحی نماید.

۲-۳-الف- طراحی رویکرد مناسب نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

در دسته‌بندی هالستی از الگوهای نفوذ در محیط بین‌الملل، آنچه به‌عنوان ملاک تفاوت الگوها مطرح می‌شود، موضوع اتفاق نظر دو یا چند بازیگر بر سر هدف‌های سیاست خارجی است و حرکت در این طیف بر اساس این ملاک صورت می‌پذیرد. (هالستی، ۱۳۷۳) اما در دوران گذار با توجه به وجود شرایط تزاخم پارادایمی، از یک سو اهداف سیاست خارجی بازیگران الزاما آشکار نبوده و از دیگر سو بازیگران ممکن است در برخی اهداف اتفاق نظر و در برخی اهداف دیگر اختلاف نظر داشته باشند، بر این اساس استفاده از الگوهای چهارگانه هالستی که مبتنی بر شرایط نسبتاً شفاف در زمینه اهداف سیاست خارجی است، به‌تنهایی نمی‌تواند ضمانتی برای ارتقاء نفوذ در

محیط امنیتی باشد. بر این اساس بازیگر نفوذ گر می‌بایست بر اساس نگاه مبتنی بر شرایط گذار الگوی خود را طراحی نماید.

سه رویکرد فرضی متناسب با شرایط گذار می‌توان منظور نمود، نکته مهم در اتخاذ هریک از این سه الگو، علاوه بر عامل قدرت بالفعل و بالقوه و مظاهر بروز و ظهور آن (نظامی، اقتصادی، همکاری، اقناعی) به‌عنوان شرط لازم، عوامل دیگری همچون طرح آرمانی، نگاه ایدئولوژیک و مصلحت‌اندیشی استراتژیک به‌عنوان شرط کافی ایفای نقش می‌نمایند. به عبارت بهتر اتخاذ الگوی مناسب برای نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار مبتنی بر ترکیبی از دودسته عوامل پیش‌گفته برآورد می‌شود. بر این اساس ممکن است بازیگری قدرت بالایی داشته باشد ولی به لحاظ مصلحت‌گرایی استراتژیک یا نداشتن آرمان توسعه و ارتقاء سطح نفوذ، رویکردی محتاطانه را انتخاب نماید.

۱- **رویکرد تطبیق:** مبتنی بر نگاه سازشکارانه با محیط امنیتی و تلاش در جهت هماهنگی استفاده بهینه از منافع موجود در محیط امنیتی طراحی می‌شود. این رویکرد حداکثر منافع کوتاه‌مدت و حداقل منافع بلندمدت را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر در رویکرد تطبیق اوج توفیق مستلزم همراهی با محیط امنیتی است. در رویکرد تطبیق همراه شدن با تلاطم‌های محیط امنیتی زمینه‌ساز حفظ بازیگر و انتظار وی برای فراهم شدن فرصتی برای نفوذ می‌تواند تعبیر شود ولی با توجه به تمرکز و توجه راهبردی به همراهی، توان ارائه طرح نو، پاسخ به نیازی جدید، پاسخی جدید به نیازهای رفع نشده موجود کاهش می‌یابد. بر این اساس رویکرد تطبیق یک رویکرد مطلوب در نفوذ، بالأخص در شرایط گذار محسوب نمی‌شود ولی به‌طور کامل هم منتفی نیست. نکته قابل توجه در اتخاذ رویکردها، میزان توان و علاقه بازیگر در قاعده سازی برای محیط امنیتی است.

۲- **رویکرد تحول آفرینی:** در این رویکرد بازیگر امنیتی به دنبال نقش آفرینی در محیط امنیتی در حال گذار و توسعه نفوذ خود از طریق فعالیت‌های فوق‌العاده ولی مبتنی بر قواعد پارادایمی موجود است. در این حالت بازیگر امنیتی ضمن تشخیص وضعیت محیط، بر اساس درکی که از تحولات محیط امنیتی به دست می‌آورد و افقی که برای دامنه و عمق نفوذ امنیتی خود تعریف می‌کند، حوزه نفوذ خود را گسترش می‌دهد. تفاوت عمده با رویکرد تطبیق در سوق دهی منابع و تنظیم اهداف است. در رویکرد تطبیق، بازیگر امنیتی موفقیت نفوذ خود را در رصد مداوم محیط و تطبیق منافع امنیتی خود با تحولات محیط امنیتی تعریف می‌کند ولی در رویکرد تحول آفرینی رصد محیط به منظور استفاده از فرصت‌های نهفته در تغییرات محیطی انجام می‌شود.

۳- **رویکرد قاعده آفرینی:** این رویکرد مبتنی بر لزوم تغییر قواعد بازیگری و نقش آفرینی در محیط امنیتی بالأخص در دوران گذار است، پیش فرض این رویکرد بر ابهام فضای پارادایمیک دوران گذار و ناکارآمدی اتکا و بازی بر اساس قواعد موجود تکیه دارد و بر این اساس تأکید آن برای ارتقاء نفوذ، در برهم زدن قواعد موجود و تنظیم قواعد جدید در محیط امنیتی برآورد می‌شود. به نظر می‌رسد این رویکرد مناسب‌ترین رویکرد برای بازیگران نقش آفرین محسوب می‌شود؛ اما نکته ای که در این موضوع مهم است، توان بازیگر نقش آفرین در حوزه‌های زیر خواهد بود:

۱-۳- داشتن توان داخلی و انسجام درونی برای قاعده آفرینی و نفوذ در محیط امنیتی

۲-۳- داشتن مبنای قابل اتکا برای قاعده آفرینی (مبنای ایدئولوژیک یا عمل‌گرای)

۳-۳- توان رصد و تجزیه و تحلیل محیط امنیتی به منظور کشف نیازهای پاسخ داده نشده محیط

امنیتی

۴-۳- توان ارائه قواعد جدید در محیط امنیتی بر اساس نیازهای فرهنگی محیط امنیتی (ارائه حرف

نو)

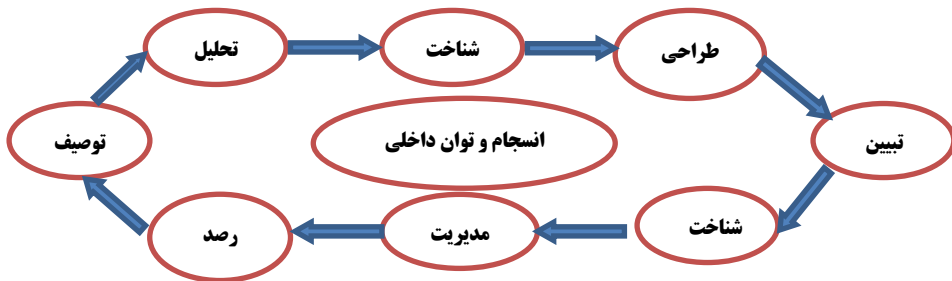
۳-۵- توان جایگزینی قواعد جدید به جای قواعد موجود

۳-۶- توان همراه سازی بازیگران مؤثر در حوزه موردنظر

۳-۶- توان مدیریت و به روزرسانی ابهامات قواعد در حین توسعه قواعد جدید

در صورتی که برگرفته از نظرات صاحب نظران، پارادایم ساز در آینده کسی است که بتواند قواعد را تعریف کند. پس رویکرد تحولی مناسب تر است.

شکل ۴: چرخه قاعده آفرینی در ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی



۳-الف-ابعاد نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

این حوزه بر اساس نظریه حسین عساریان نژاد در سه زیرشاخه بررسی می شود که توجه به شناخت اجزا و ایجاد تلفیقی متناسب از آنها از عوامل نفوذ در این حوزه محسوب می گردد:

۳-۱-الف-ویژگی های محیط امنیتی

از حیث محیط شناسی و برگرفته از ادبیات تحقیق، ویژگی های زیر می بایست در ساختار نفوذ و ارتقای آن در محیط امنیتی در حال گذار لحاظ گردد:

۱- ماهیت محیط: مکاتب و نظریات تشکیل دهنده محیط موردنظر است به نحوی که ادبیات

رئالیست ها و ایده ایستها در تشکیل محیط امنیتی متفاوت است. (عساریان نژاد، ۱۳۸۸: ۲۹)

۲- شکل محیط: بسته به افق دید کلان یک کشور، مبنی بر تعریف امنیت در شکل منطقه ای،

بین المللی و جهانی، محیط امنیتی متفاوت خواهد بود.

۳- **شرایط بنیادین محیط:** هر محیط دارای نیازهای خاص متفاوتی است، این نیازها که برگرفته از معنا و ذات مباحث امنیتی است (که برگرفته از جهان‌بینی هر محیط است) نقش مؤثری را در مفاهیم امنیتی داراست. (همان)

۴- **تنوع و روابط محیط امنیتی:** محیط‌های امنیتی دارای تنوع و رابطه‌هایی است که تفکیک آن‌ها و شناخت هر یک از عوامل مؤثر در این ارتباطات و تنوع در محیط‌ها می‌تواند در تعیین مفهوم یک پدیده امنیتی در محیط مهم باشد. (هندیانی، ۱۳۸۶).
غیرخطی بودن و درجه بالای تنیدگی منافع که در ادبیات نظری به آن‌ها پرداخته شد در این حوزه جای می‌گیرند.

۵- **بازیگران محوری محیط:** شناخت بازیگران محوری و تأثیرگذار هر محیط امنیتی در تعیین میزان توفیق نفوذ، تأثیر بسزایی دارد، بر این اساس شناخت بازیگران برای مهار، همکاری، تطمیع، اقناع و یا ارباب آن‌ها صورت می‌پذیرد.

۶- **برآورد سطح ناپایداری محیط امنیتی:** تعیین سطح ناپایداری محیط امنیتی نقش مؤثری در اتخاذ الگوهای متناسب نفوذ ایفا می‌نماید و به‌عنوان یک ویژگی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸: ۲۹)

۲-۳-الف-ابعاد موفقیت نفوذ

در این زمینه و بر اساس ادبیات تحقیق سه الگو به تناسب پارادایم‌های مورد بررسی در این تحقیق قابل ارائه است:

۱- **موفقیت مبتنی بر تحقق اهداف:** در این زمینه می‌توان موفقیت نفوذ را بر اساس میزان وصول به اهداف تعریف نمود. این نگاه به موفقیت مبتنی بر توجیه این مهم است که

هرقدر میزان تحقق اهداف موردنظر در محیط امنیتی در حال گذار بیشتر باشد، موفقیت بیشتری تحقق پیدا کرده است. (همان)

۲- موفقیت مبتنی بر حرکت نظام‌مند: در این نگاه، این‌گونه فرض می‌شود که یک فرآیند درست و با ورودی‌های مناسب، خروجی مناسبی خواهد داشت. بر اساس این نگاه موفقیت نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار برداشتن یک طرح نظام‌مند برای نفوذ است و چنانچه طرح مذکور، طراحی درستی داشته باشد و ورودی‌های آن به‌تناسب طراحی مناسب سیستمی وارد شوند، لاجرم خروجی آن نیز قابل‌اتکا خواهد بود. این نظر به طور تلسویحی در برخی منابع مورد مطالعه مورد اشاره قرار گرفته است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳)

۳- موفقیت مبتنی بر عمل به تکلیف: این مدل که برگرفته از آموزه‌های نگاه اسلام سیاسی است، مبتنی بر قطعیت آینده‌نگاری مؤمنانه بوده و یاری آئین خدا را زمینه‌ساز یاری خدا می‌داند^۱ و یاری خدا را زمینه‌ساز پیروزی قطعی^۲ و توسعه اسلام را حتی اگر باعث اکراه کافران باشد مورد تأکید قرار داده است.^۳ این نگاه؛ حوزه‌ای جداگانه نسبت به دو دیدگاه قبلی در مباحث نفوذ ایجاد می‌نماید که در عین توجه به رسیدن به هدف و داشتن برنامه و مسیر نظام‌مند، عمل به تکلیفی الهی و مبتنی بر نگاه متعالی نسبت به انسان را مطرح

^۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَصْرُوا اللَّهَ تَصْرُوا لَكُمْ (آل عمران، ۱۶۰) اگر کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آئین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

^۲ إِن تَصْرِكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ (آل عمران، ۱۶۰) اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد.

^۳ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه، ۳۳) (صف، ۹) او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

می‌کند و موفقیت عمل را در انجام تکلیف الهی تعریف نموده و نتیجه‌گرایی را در

اولویت بعدی قرار می‌دهد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸: ۴۲)

انتخاب نوع اقدام نفوذ موضوعی مرتبط با دو عامل مبنای پارادایمی نفوذ گر (اسلامی و غیر اسلامی) و میزان شناختی است که نفوذگر از محیط امنیتی هدف خود به دست می‌آورد.

۳-۳- الف- ابعاد نفوذ

نفوذ دارای ابعاد مختلفی است که برگرفته از ادبیات تحقیق در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱- **نفوذ سیاسی و دیپلماسی:** مبتنی بر ابزار سیاست و دیپلماسی و برگرفته از امکان تغییر رفتار نفوذ شونده با استفاده از ابزار سیاسی و دیپلماسی است.

۲- **نفوذ اقتصادی و تجاری:** گسترش روابط اقتصادی و تجاری، وابستگی متقابل کشورها را به یکدیگر زیاد می‌کند و این موجب وابستگی برخی بازیگران به برخی دیگر شده و این وابستگی، نفوذ بازیگر برتر در حوزه اقتصاد را در محیط امنیتی امکان‌پذیر می‌سازد.

۳- **نفوذ نظامی-امنیتی:** که از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین ابعاد نفوذ محسوب می‌شود و مبتنی بر نیاز حوزه نفوذ به امکانات نظامی و امنیتی نفوذ گر تعریف می‌شود.

۳- **نفوذ فرهنگی-اجتماعی:** گسترش روابط رسمی فرهنگی بین دولت‌ها، ارتقاء سطح مبادلات علمی و آموزشی، تأسیس مراکز فرهنگی، توسعه انجمن‌های دوستی در خارج کشور و... از مواردی هستند که نفوذ فرهنگی و اجتماعی در یک حوزه را امکان‌پذیر نموده و تسهیل می‌نمایند. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸: ۱۷) در ادبیات بررسی شده و مصاحبه‌های میدانی، نفوذ فرهنگی مؤثرترین شیوه نفوذ بالأخص در شرایط گذار برآورد شده و مبتنی بر نفوذ در نظام تعلیم و تربیت حوزه نفوذ و فضای رسانه آن بنا می‌شود. این ابزار زمینه‌ساز "تغییر شناخت" حوزه نفوذ بوده و پس از استقرار هزینه‌های ارتقای نفوذ را به حداقل کاهش می‌دهد... (ستوده، ۱۳۷۲). توجه به اهمیت بعد فرهنگی

نفوذ در تعبیر مالکوم واترز از جهانی شدن بر بعد مکانی و جغرافیایی غلبه دارد. (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۴) بُعد نفوذ فرهنگی از این منظر در دوران گذار مورد تأکید قرار می‌گیرد که با شاخص‌هایی همچون هنجارها، هویت‌ها و فرهنگ‌عامه سروکار دارد (کاتزنشتاین، ۱۳۹۰: ۱۰)

ب- فرآیند اعمال نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار

اگرچه بخشی از فرآیند دربند بالا و در ذیل سرفصل اصول و قواعد مورد بررسی قرار گرفت بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده، فرآیند مدیریتی ارتقاء نفوذ بالأخص در حوزه قاعده‌آفرینی پارادایمی نیازمند توجه به مراحل سه‌گانه زیر است:

۱- برهم زدن نظم نسبی موجود:

همان‌طور که به تفصیل در ویژگی‌های دوران گذار ذکر شد، تراحم پارادایمی در محیط امنیتی به نحوی است که در برخی موارد، امکان ارتقاء نفوذ با اتخاذ رویکردهای تطبیق و تحول‌آفرینی به حداقل می‌رسد، لذا نفوذگر می‌بایست به رویکرد قاعده‌آفرینی روی بیاورد. در این مرحله نفوذگر به تناسب شناختی که از نظم نسبی موجود به دست آورده است، سعی در برهم زدن قواعد موجود بازی می‌کند. بر این مبنا بازیگر با ایجاد رخنه در قواعد موجود و تلاش تبلیغاتی به منظور ترسیم مطلوب و یا بزرگ‌نمایی نیازها اقدام به ایجاد و گسترش ابهام و ارتقاء شرایط نارضایتی از وضع موجود می‌نماید.

۱-ب- ایجاد نظم جدید:

در این فاز، نفوذگر مبتنی بر پیش‌طراحی‌های قبلی و منعطف خود، به تناسب قدرت در اختیار، قاعده‌های جدید را برای پوشش نیازهای محیط امنیتی ارائه داده و سعی در نهادینه‌سازی آن‌ها می‌نماید. استفاده ترکیبی از ابزار زور، همکاری و اقناع در این مرحله از سوی جمع‌نخبگان مورد مصاحبه تأیید شده و درعین حال از به‌کارگیری صرف یکی از ابزارهای مذکور به‌تنهایی، حذر داده شد. بر این اساس نفوذگر با ترکیبی از ابزار در حوزه موردنظر خود قاعده‌آفرینی می‌نماید و به تناسب محیط، آمیخته‌ابزاری خود را برنامه‌ریزی می‌کند.

۱-ب- مدیریت نظم جدید:

نفوذ در محیط امنیتی همواره می‌بایست مورد بررسی و رصد نفوذگر قرار گیرد تا بر اساس شرایط جدید در حوزه مبانی و فرآیند نفوذ بر اساس یک طرح کلان تجدیدنظر صورت پذیرد. بر این مبنا نفوذ مقطعی که قابلیت تداوم و تعمیق نداشته باشد از دایره تعریف نفوذ موفق خارج می‌شود.

نتیجه‌گیری:

در بررسی و تدوین نحوه ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار با توجه به وضعیت عدم قطعیت در محیط امنیت و وجود شرایط تراحم پارادایمی، توجه به ویژگی‌ها، اصول و قواعد و ابعاد موردنظر نفوذگر بر اساس ملاک‌ها و شاخص‌های ارائه‌شده می‌بایست انجام پذیرفته و در انتخاب حوزه موردنظر برای نفوذ به هدف‌گذاری صحیح، تناسب منابع، شناخت نیاز محیط امنیتی و راه‌حل برطرف نمودن آن، داشتن طرح مناسب و انسجام داخلی قدرت توجه شود. شناخت پارادایم‌های در حال مخاصمه و داشتن دید راهبردی به آینده‌نگاری پارادایمیک بسیار مؤثر بوده و در مدل‌های نفوذ به تناسب نیاز می‌بایست از رویکردهای تطبیق، تحول‌آفرینی و قاعده‌آفرینی استفاده نمود. برای رویکرد قاعده‌آفرینی که در بررسی‌ها مشخص شد بهترین الگو در شرایط گذار است، عواملی همچون توان و انسجام درونی، مبنای قابل‌اتکا برای قاعده‌آفرینی، توان رصد محیط و همراه نمودن بازیگران مؤثر در محیط امنیتی موردنظر مهم ارزیابی شدند. ابعاد محیط امنیتی (ماهیت، شکل، شرایط بنیادین محیط، تنوع روابط محیط امنیتی، بازیگران محوری محیط و برآورد سطح ناپایداری محیط امنیتی)، ابعاد موفقیت نفوذ (مبتنی بر تحقق اهداف، حرکت نظام‌مند و عمل به تکلیف) و ابعاد نفوذ (سیاسی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و فرهنگی - اجتماعی) از حوزه‌های موردتوجه در ابعاد نفوذ شناسایی شد. در زمینه ابعاد نفوذ، بعد فرهنگی از اهمیت بالاتری برخوردار است ولی این به‌منزله موفقیت نفوذ تک‌بعدی نبوده و لازمه نفوذ موفق در دوران گذار، نفوذ با اتکا به ابعاد متنوع و به‌صورت آمیخته است. در انتها و به فرض اتخاذ رویکرد تحول‌آفرینی مشخص شد که نفوذگر بایستی توان برهم زدن نظم موجود، ایجاد نظم جدید و مدیریت نظم

جدید را به منظور توفیق حداکثری در محیط امنیتی در حال گذار داشته باشد. الگوی پیشنهاد شده در این پژوهش، الگوی "کشتی بادبانی" نام‌گذاری شد که بر اساس شکل ترسیمی متکی بر دو بادبان اصول و قواعد و ابعاد نفوذ است که با مدیریت نظم امنیتی جدید با شکافتن نظم نسبی موجود همانند کشتی، نظم جدیدی را در دریای تزاحم پارادایمی و گذار محیط امنیت ایجاد می‌نماید. این کشتی یک سکوی فرماندهی و متعادل ساز دارد و قوای حرکت آن پیشران‌ها و عامل اقتدار آن، قدرت داخلی است. از یافته‌های دیگر کلی این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- الگوی امنیتی حاکم و محیط امنیتی ارتباطی متقابل و تنگاتنگ دارند.
- ۲- در تمامی الگوهای متصور، اعمال نفوذ در محیط امنیتی منبعث از مفهوم قدرت است.
- ۳- عوامل ایجادکننده قدرت در هر یک از الگوهای امنیتی بررسی شده دارای تفاوت‌هایی هستند.
- ۴- پارادایم‌ها به‌عنوان بسترهای شکل‌گیری و ظهور الگوهای امنیتی، از حیث منابع شکل‌دهنده قدرت و نحوه اعمال قدرت دارای تفاوت هستند.
- ۵- چنانچه قدرت را در یک نگاه کلی به دو حوزه سخت و نرم تقسیم نماییم، هریک از پارادایم‌های سه‌گانه موردبررسی، نگاه متفاوتی به ترکیب قدرت اعمالی برای نفوذ در محیط امنیتی دارند.
- ۶- ارائه الگو برای ارتقای نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار، بیانگر این مهم است که علی‌رغم ماهیت و ذات پیچیده محیط امنیتی که در شرایط گذار مضاعف نیز می‌شود، امکان اتخاذ رویکرد پیش‌نگرانه باقابلیت انعطاف مناسب وجود دارد.

جدول ۶- فواره کلی الگوی ارتقای نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار (عصاریان نژاد، ۱۳۹۵)

مؤلفه‌ها	ابعاد	مقوله کلی	
انتخاب صحیح حوزه نفوذ (هدف‌گذاری صحیح)	ویژگی‌های نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار	مبانی اعمال نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار	
تناسب منابع در اختیار نفوذ گر با سطح نفوذ موردنظر			
قاعده نیاز (پاسخ به نیازهای موجود، نیاز سازی)			
داشتن طرح مناسب برای نفوذ			
متکی بر عوامل داخلی ارتقا بخش قدرت			
شناخت پارادایم‌های در حال تقابل	اصول و قواعد نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار	الگوی ارتقای نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار	
آینده‌نگاری پارادایمیک			
طراحی رویکرد مناسب نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار			
ویژگی‌های محیط امنیتی			
ابعاد موفقیت نفوذ	ابعاد نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار		
ابعاد نفوذ			
ایجاد رخنه و تبلیغات			
ترکیبی از ابزار زور، همکاری و اقناع	ایجاد نظم جدید		فرآیند اعمال نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار
ایجاد و حفظ قابلیت تداوم و تعمیق	مدیریت نظم جدید		

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم، ترجمه آیت ا... ناصر مکارم شیرازی
- سایت مقام معظم رهبری به آدرس، www.khamenei.ir
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۳). درآمدی بر کارآمدی نظام سیاسی، تهران: انتشارات دانش و اندیشه معاصر
- افتخاری، اصغر. (۱۳۷۹). امنیت در حال گذار: تحول معنای امنیت در قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، صص ۴۸-۲۵
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۹). مدیریت عمومی، ویراست سوم چاپ چهلیم. تهران: نشر نی
- امینیان، بهادر. (۱۳۹۰). محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی، آفاق امنیت، شماره ۱۳، صص ۱۸-۵
- اندیشگاه شریف. (۱۳۸۵). پارادایم: تعاریف، مفاهیم، نمونه‌ها. تهران: انتشارات وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- اندیشگاه شریف. (۱۳۸۸). پارادایم‌های حاکم بر جنگ‌های آینده. تهران: انتشارات وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- جونز. سین. لین. (۱۳۸۵). واقع‌گرایی و مطالعات امنیتی در مجموعه مقالات امنیت و راهبرد در جهان معاصر، ویرایش کریک. آشنایدر، ترجمه اکبر عسگری صدر و فرشاد امیری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حاذق نیکرو، حمید. (۱۳۸۹). صدور انقلاب و حوزه‌های نفوذ فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان، مجله پانزده خرداد، دوره سوم، شماره ۲۶، صص ۹۳-۱۴۴
- حسینی تاش، علی؛ و شعبانی، محمدرضا. (۱۳۸۷). شاخص‌های محیط امنیتی در سطح بین‌المللی، فصلنامه نگرش راهبردی، شماره ۹۱، صص ۶۶-۳۹
- درویشی سه تلانی، فرهاد. (۱۳۸۴). محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۴۲، صص ۶۰-۱

- رهبر، فرهاد؛ مجتهدی، محمدرضا. (۱۳۸۸). چالش‌های اساسی امنیت ملی و ارتباط آن باسیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، *مجله مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۳۸.
- ستوده، محمد. (۱۳۷۲). شیوه‌های نفوذ و سلطه فرهنگی، *مجله مصباح*، شماره ۶، صص ۹۵-۱۱۲
- سلیمان پور، هادی؛ ومولایی، عبادا... (۱۳۹۲). قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل، *مجله روابط خارجی*، شماره ۷، صص ۳۴-۷
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت؛ مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی*، جلد اول، تهران: انتشارات ابرار معاصر
- عساریان نژاد، حسین؛ و عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۵). تهدید در نظریه‌های امنیت، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۲۷، صص ۱۴۴-۱۲۵
- عساریان نژاد، حسین؛ ونادی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۴۰.
- عساریان نژاد، حسین. (۱۳۹۴). *تقریرات درسی روش‌شناسی محیط امنیتی*، دوره چهاردهم مطالعات امنیت ملی
- عساریان نژاد، حسین. (۱۳۹۵). *تقریرات درسی روش‌شناسی محیطی*، دعا، تهران
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ و اسلامی، علیرضا. (۱۳۹۰). اولویت‌های محیط‌شناسی امنیتی از نگاه امام خمینی (ره)، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۴۴. کاتزنشتاین، پیتر. جی. (۱۳۹۰). *دیدگاه‌های بدیل در مورد امنیت ملی در مجموعه مقالات فرهنگ امنیت ملی: هنجارها و هویت در سیاست جهانی*، ترجمه محمد هادی سمتی، جلد اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۳). نظام بین‌الملل جدی: هژمونی، چند قطبی، یا یک-چند قطبی؟ *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۴۸، صص ۸۱-۱۱۲
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۴). *محیط امنیتی خاورمیانه و سیاست دفاعی ج.ا.ا. مجله سیاست دفاعی*، شماره ۵۳ و ۵۲، صص ۲۹-۵۸

- کریمی، غلامرضا. (۱۳۸۹). ارزش‌ها و تهدیدات در گذار از امنیت بین‌المللی به امنیت جهانی، *مجله سیاست*، دوره چهارم، شماره ۴، صص ۲۱۶-۱۹۷
- گروه مطالعات و تحقیقات راهبردی. (۱۳۸۸). *روش‌شناسی محیط امنیتی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی
- گلمن، اولیور. (۲۰۱۵). *قدرت هوشمند برای یاری به ابرقدرت آمریکایی*، ترجمه طاهره مقری موزن، دسترسی www.did.ir
- لک زایی، نجف. (۱۳۸۳). *سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی (ره)*، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- مالیک، موهان. (۱۳۸۵). *تکامل تدریجی اندیشه راهبردی در مجموعه مقالات امنیت و راهبرد در جهان معاصر*، ویرایش کریک. آ. آشنایدر، ترجمه اکبر عسگری صدر و فرشاد امیری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- مداحی، مرتضی. (۱۳۸۹). *واکاوی مفهوم و ویژگی‌های قدرت*، *مجله معرفت*، شماره ۱۵۷، صص ۱۳۸-۱۲۳
- مرادی، سید مهدی. (۱۳۸۲). *قواعد تحول و سازوکارهای ایجاد ثبات و امنیت بین‌الملل؛ رویکرد تئوریک تغییر در نظام بین‌الملل*، *مجله راهبرد*، شماره ۳۰، صص ۲۹۱-۲۶۱
- مینایی، مهدی. (۱۳۸۸). *محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه ای و بین‌المللی*، *مجله اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۶.
- نبوی، عبدالامیر. (۱۳۸۹). *جامعه در حال گذار: بازبینی یک مفهوم (ضرورت تحلیل مفهوم دوران گذار با رویکرد میان‌رشته‌ای)*، *مجله مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، شماره ۹، صص ۲۱۴-۱۹۳
- واعظی، محمود. (۱۳۸۶). *روندها و ساختارها در وضعیت جدید جهانی*، *مجله سیاست خارجی*، شماره ۸۳، صص ۵۶۶-۵۳۳

- واعظ مهدوی، معصومه. (۱۳۷۵). تلاش برای تبیین نظام بین‌المللی: وابستگی متقابل یا وابستگی یک‌جانبه، **مجله راهبرد**، شماره ۱۰، صص ۶۹-۱۱۰
- وحیدی راد، میکائیل. (۱۳۹۲). نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران، **مجله خردنامه**، شماره ۱۰، صص ۹۹-۱۱۴
- هافندرون، هلگا (۱۳۷۱). **معمای امنیت**، نظریه‌پردازی و ایجاد قواعد در زمینه‌های بین‌المللی. ترجمه علیرضا طیب. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هالستی، کی. جی. (۱۳۷۳). **مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل**، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هندیانی، عبدالله. (۱۳۸۶). بررسی تحولات مفهومی در محیط امنیتی، **فصلنامه دانش انتظامی**، شماره ۳۵، صص ۷-۳۰

منابع انگلیسی:

- Jervis,R.(2002).Theories of war in an era of leading power peace,**American Political Science Review**,96(1),pp.1-14
- Keohane,R and Nye,j.(1977).**power and interdependence**, second Ed.(Glenview,IL, Scott Foresman

